

نظارت ابزاری



حسین سلاهورزی

فعال اقتصادی

بگذراید از همان نقطه‌ای شروع کنم که حرف رئیس قوه قضائیه آدم را مکث می دهد. جایی که گفته شد بعضی بنگاه‌های بخش خصوصی، به‌جای رقابت در بازار، از نهادهای نظارتی و قضایی برای حذف رقیب استفاده می کنند. این جمله، اگر درست شنیده شود، فقط یک هشدار اخلاقی یا گلابه‌مقطعی نیست؛ توصیف یک بیماری مزمن در سازوکار رقابت است؛ بیماری‌ای که اگر جدی گرفته نشود، آرام‌آرام پایه‌های اعتماد، سرمایه‌گذاری و حتی نفس تولید را می خورد. واقعیت این است که در اقتصاد مثل ایران، رقابت همیشه روی زمین صاف و هموار اتفاق نمی افتد. مقررات زباندن، تفسیر پذیرند، گاهی متناقض اند و نهادهای نظارتی هم متعدد و موازی، در چنین فضایی، «قانون» فقط متنی مکتوب نیست؛ قدرت تفسیر قانون تعیین کننده می شود. اینجااست که بعضی بازیگران، به‌جای اینکه انرژی‌شان را صرف بهبود محصول، کاهش هزینه یا توسعه بازار کنند، مسیر ساده‌تر و مخرب‌تری را انتخاب می کنند: کشاندن رقیب به راهروهای نظارت و دادگاه. مسئله این نیست که نظارت بد است یا شکایت نباید وجود داشته باشد. اتفاقاً نبود نظارت، فاجعه است. مسئله این است که وقتی هزینه شکایت‌سازی پایین و هزینه متوقف کردن رقیب بالا باشد، تعادل به هم می خورد. بنگاهی که شاید در بازار حرفی برای گفتن ندارد، می تواند با یک گزارش، یک پرونده، یا حتی یک ابهام حقوقی، ده‌ها یا سال‌ها قییش را درگیر کند. در این مدت، خط تولید می ایستد، اعتبار بانکی آسیب می بیند، بازار از دست می رود و چه‌بسا همان رقیب ضعیف، بی سرصدا جای او را بگیرد. خطر این وضعیت فقط متوجه بنگاه قربانی نیست. این یک پیام مخرب به کل اقتصاد می فرستد: «در اینجا، موفق بودن پریسک است.» سرمایه‌گذار وقتی می بیند رقابت از کارخانه و دفتر فروش به پرونده و بازپرس منتقل شده، طبیعی است که یا سرمایه‌اش را بیرون می کشد یا اصلاً وارد نمی شود. نتیجه روشن است: کاهش سرمایه‌گذاری، افت نوآوری، و

حاکم شدن رفتارهای محافظه کارانه و کوتاه مدت، ریشه‌های این پدیده هم‌روشن اند و پنهان نیستند. مقررات مبهم و متوم، مرز نامشخص بین تخلف اداری و جرم اقتصادی، نبود فیلترهای انگیزشی برای پذیرش شکایت‌ها، و فقدان مسیرهای حرفه‌ای حل و فصل اختلاف پیش از ورود به دستگاه قضایی. این‌ها نقص‌های ساختاری‌اند، نه خطاهای فردی. با توصیه اخلاقی حل نمی‌شوند؛ با طراحی نهادی حل می‌شوند. در این نقطه، نقش اتاق بازرگانی ایران و تشکل‌های بخش خصوصی تعیین کننده است. اگر اتاق فقط نظاره گر باشد یا به چند موضع گیری کلی بسنده کند، عملاً میدان را به بدترین بازیگران می‌سپارد. این موضوع، صرفاً دفاع از چند بنگاه نیست؛ دفاع از منطق رقابت سالم است. اتاق باید از موضع واکنشی خارج شود و ابتکار عمل را به دست بگیرد. اولین گام، فهم دقیق مسئله است؛ نه با روایت‌های موردی و احساسی، بلکه با شناسایی الگوها. ایجاد یک کارگروه تخصصی برای پایش سوءاستفاده از نهادهای نظارتی، با حضور حقوق دانان، اقتصاددانان رقابت و نمایندگان تشکل‌ها می، می تواند تصویر روشنی از مسیرهای رایج این سوءاستفاده بدهد. بدون داده و تحلیل، هر اقدامی کور خواهد بود. گام بعدی، گفت‌وگوی حرفه‌ای با نهادهای نظارتی و قضایی است. باید به‌صورت رسمی و مستدل پیشنهاد شود که شکایت‌ها و گزارش‌ها از فیلترهای انگیزشی عبور کنند؛ شاکی چه نفعی می‌برد؟ آیا هم‌زمانی شکایت با منافع،ه، عرضه محصول یا ورود به بازار جدید معنادار است؟ آیا موضوع، تخلف اداری است یا واقعاً واجد وصف مجرمانه؟ این فیلترها نه تضعیف نظارت، بلکه هوشمندسازی نظارت است. هم‌زمان، باید مسیرهای حل و فصل تخصصی پیشاد درسی تقویت شود. بسیاری از اختلافات رقابتی، اگر در یک دآوری یا میانجی گری حرفه‌ای بررسی شوند، اصلاً نباید به پرونده قضایی برسند. دادگاه باید آخرین ایستگاه باشد، نه اولین. در کنار همه این‌ها، شفاف‌سازی مقررات پریسک و حمایت هدفمند حقوقی از بنگاه‌هایی که قربانی رقابت نا سالم شده‌اند، ضروری است. حمایتی که معیار دارد، نه سلیقه؛ و هدفش حفظ اشتغال، تولید و بازار است، نه رانت‌سازی جدید. اگر بخواهم صریح بگویم، این موضوع جای تعارف ندارد. اگر امروز برای مهار استفاده ابزاری از نهادهای نظارتی فکری نکنیم، فردا رقابت سالم تبدیل به استثنا می‌شود. نظارت لازم است، اما نظارت بی فیلتر و بی تشخیص انگیزه، سمّ اقتصاد است. بخش خصوصی اگر به دنبال صیانت از آینده خودش است، باید از همین جا، همین حالا، وارد عمل شود.

ادامه از صفحه اول

در خصوص نرخ تورم هم این گزارش نشان می‌دهد که نرخ تورم در صورت تداوم تحریم‌ها در سال ۱۴۰۶ به حدود ۶۵ درصد و در سال ۱۴۰۵ بیش از ۵۰ درصد خواهد بود. در واقع گزارش کارشناسان سازمان برنامه و بودجه از یک واقع‌بینی صرف سرچشمه می‌گرفت. آنها بدون حب و بغض و بدون وابستگی جناحی گزارشی را تهیه کرده بودند که در آن خطرات عدم رفع تحریم‌ها بر ساختار اقتصادی و خانوارها را گوشزد کرده بودند. حال پس از گذشت ۵ سال از آن گزارش حدود ۴۰ صفحه‌ای، یک نامه ۵ صفحه‌ای از سوی بیش از ۱۶۰ تن از نمایندگان مجلس خطاب به سران قوا نوشته شده که در آن به دو موضوع مهم یعنی ارز و نرخ تورم اشاره شده است. اما نکته جالب در این نامه آن است که نمایندگان مجلس، افزایش نرخ تورم را ناشی از افزایش قیمت ارز دانسته‌اند – بدون آنکه به دلایل ریشه‌ای آن اشاره کنند – و در آن به ارائه هفت راهکار برای تقویت پول ملی و خروج از چرخه مخرب «افزایش نرخ ارز- تورم» پرداخته‌اند. بررسی تک‌تک راهکارها در واقع لازم نیست زیرا نگاهی که در کلیت نامه است عملاً از آن سلب موضوع می‌کند. نمایندگان مجلس در نامه خود از یک موضوع مهم که علت‌العلل همه این بحران‌ها هست چشم‌پوشی کرده‌اند که آن، تحریم است. آنها با کنار گذاشتن «تحریم» که در اصل «علت اصلی» تمامی پیامدهای موجود است، سعی کرده‌اند که نعل وارونه بزنند و با رویکرد پیوپولیستی، دولت را نه تنها مسئول افزایش نرخ ارز بلکه ناتوان در اداره امور سیاست‌های نرخ بدانند و جالب آنکه بحران افزایش قیمت ارز با کاهش ارزش پول ملی رادر عدم بازگرداندن بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی دانسته‌اند؛ آن هم از سال ۱۳۹۷ تا کنون؛ در واقع این مقدار ارز در طی ۷ سال را اگر بخواهیم برای مثال با یک قلم از درآمد ارزی حاصل از گردشگری یک ساله نه‌هفت‌ساله!- کشوری تقریباً همسان مثل ترکیه که در سال ۲۰۲۴ بالغ بر ۱۶۰ میلیارد دلار بودجه مقایسه کنیم و واقعاً خنده‌دار است؛ خنده‌دار از این بابت که کلید قفل سیاست تنظیم ارزی کشور در دست عده‌ای صادرکننده قرار گرفته که مثلاً سالی ۱۵ میلیارد دلار وارد چرخه ارزی کشور نکرده‌اند! در واقع نامه را اگر خلاصه کنیم این چنین می‌شود: علت اصلی تورم نه نقدینگی که افزایش نرخ ارز است؛ از سال ۱۳۹۷ تا کنون ۱۱۷ میلیارد دلار وارد چرخه ارزی کشور نشده (بدون آنکه علت آن را بیان کنند)؛ دولت نباید تخصیص ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی را برای کالاهای اساسی حذف کند و اینکه دولت باید نرخ بهره بانکی را کاهش دهد (که در واقع هر کدام از اینها در شرایط فعلی اقتصاد کشور مفسده‌های خاص خود را دارد). این نامه تحریم‌ها را که در حال حاضر می‌توان آن را «امار تمامی کاستی‌ها» دانست نادیده انگاشته است. در خصوص تأثیر تحریم‌ها بر تورم که به نوبه خود بر روی رفاه خانوارها و اشتغال اثر مستقیم دارد -دغدغه‌ای که نمایندگان آن را خاطر نشان کرده‌اند- نکات و کتاب‌هایی منتشر شده است. جدا از گزارش ۴۰ صفحه‌ای سازمان برنامه و بودجه در مردادماه سال ۱۴۰۰، دکتر جواد صالحی اصفهانی هم در سال ۱۴۰۰ درباره «تأثیر تحریم‌ها بر رفاه خانوار و اشتغال» یک گزارش ۵۰ صفحه‌ای را منتشر کرد. در این گزارش آمده است که: «اثر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران دوچندان بوده است؛ هم سبب کاهش درآمدهای دولت از صادرات نفت شده و هم تجارت ایران را با جهان خارج کم کرده است. کاهش درآمدهای صادراتی به کاهش ارزش پول ملی ایران انجامیده است که این مسئله نیز به نوبه خود تشدید تورم در اینبال داشته و به‌بودجه خانوارها آسیب زده است. کاهش درآمدهای دولت سبب ایجاد رکود اقتصادی شده که هم به‌مصرف‌کننده و هم به اشتغال آسیب زده است. در واقع اگر نمایندگان مجلس می‌خواهند علت اصلی تورم را که یک جنبه مهم آن افزایش نرخ ارز است و علت کاهش ارزش پول ملی چه هست را بدانند، بهتر است این تحقیق را مطالعه کنند.

۲

تیتریک

HEADLINE ONE

در خطبه‌های نماز جمعه مطرح شد

هشدار درباره خطر فتنه اقتصادی

قوی به یاری خداوند، دشمنان را زمین گیر خواهد کرد. همچنین بر خی به‌تعبیر شهید سلیمانی، کوچه‌برای دشمن باز نکنند.»

▼ هشدار صریح علم‌الهدی درباره فتنه اقتصادی

سیداحمد علم‌الهدی، امام جمعه مشهد در خطبه سیاسی خود از وجود دست‌های پنهان در ایجاد گرانی صحبت کرد. علم‌الهدی در بخش پایانی خطبه خود با شبهه‌سازی شرایط امروز با سال ۱۳۸۸، با اشاره به اعتراضات پس از انتخابات و تشریح طرحی سه‌لایه که به گفته او در این سال اجرا شد، گفت: «وضعیتی که امروز در عرصه اقتصادی و اجتماعی با آن مواجه هستیم، کاملاً نشان می‌دهد که عوامل پشت‌پرده‌ای در کار است؛ گرانی‌ها به‌صورت ساعت‌به‌ساعت افزایش پیدا می‌کند و این نشان دهنده وجود دست‌های پنهان است. اگر دشمن بتواند در کنار برخی مسئولان، افرادی را نفوذ دهد که این وضعیت گرانی و فشار بر مردم را می‌بینند اما اقدامی نمی‌کنند، همان فتنه ۸۸ دوباره تکرار خواهد شد. وضعیتی که امروز در عرصه اقتصادی و اجتماعی با آن مواجه هستیم، کاملاً نشان می‌دهد که عوامل پشت‌پرده‌ای در کار است؛ گرانی‌ها به‌صورت ساعت‌به‌ساعت افزایش پیدا می‌کند و این نشان دهنده وجود دست‌های پنهان است. اگر دشمن بتواند در کنار برخی مسئولان، افرادی را نفوذ دهد که این وضعیت گرانی و فشار بر مردم را می‌بینند اما اقدامی نمی‌کنند، همان فتنه ۸۸ دوباره تکرار خواهد شد.» او ادامه داد: «امروز همه به‌خونی تشخیص می‌دهند که دست‌هایی پشت‌پرده وجود دارد که نگاه‌گر باشند و درک نکنند که چه فشار سنگینی بر مردم وارد می‌شود، خسارت‌های جدی به‌همراه خواهد داشت.» امام جمعه مشهد خطاب به مردم گفت: «برادران و خواهران، بصیرت شما اگر با مقاومت همراه شود، می‌تواند مشکلات را حل کند. تجربه نهم و دهم دی‌ماه به‌خوبی نشان داد که بصیرت و مقاومت مردم چه قدرتی دارد و چه کارهایی می‌تواند انجام دهد. امیدواریم بصیرت شما با مقاومتی ریشه‌دار درآمیزد و زمینه حل مشکلات را فراهم کند.»

انتشار اسناد تماس‌های ولادیمیر پوتین و جورج بوش درباره ایران

رازهای هسته‌ای

محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

آرشیو امنیت ملی آمریکا، روز ۲۳ دسامبر سه سند از ملاقات‌های رئیس‌جمهور اسبق آمریکا و رئیس‌جمهور فعلی روسیه مربوط به سال‌های ۲۰۰۵، ۲۰۰۸ و منتشر کرد که در ایران نیز بازتاب زیادی داشت. چراکه این اسناد، مربوط به دورانی هستند که روسیه و چین در وضع تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران همراهی کاملی با آمریکا راویا داشتند و به‌تمام ۶ قطعه‌نامه‌ای که علیه ایران ارائه شده بود، رای مثبت دادند. موضوعی مانند عدم تحویل سامانه‌های ضدموشکی اس-۳۰۰ از سوی روسیه به ایران هم که معمولاً علامت سوال‌های زیادی درباره آن وجود داشت در این اسناد مورد اشاره قرار گرفته است. این اسناد در واقع یادداشت‌هایی هستند که حاضران در این سه جلسه، از صحبت‌های رؤسای جمهور آمریکا و روسیه تهیه کردند. پوتین در این بازه زمانی تأش زیادی برای نزدیک شدن به غرب می‌کرد. بخشی از این اسناد مربوط به ایران هستند نه تمام آن‌ها.

آنچه آرشیو امنیت ملی آمریکا منتشر کرد، تا پیش از این به صورت محرمانه در مجموعه کتابخانه جورج دبلیو بوش نگهداری می‌شدند. بر اساس مطلب منعکس شده در سایت این مؤسسه غیرانتفاعی آمریکایی، آرشیو امنیت ملی در نوامبر ۲۰۲۳ درخواست انتشار این اسناد را به کتابخانه بوش ارائه کرده بود. اما این کتابخانه اعلام کرد که بررسی و انتشار اسناد ممکن است ۱۲ سال طول بکشد. پس از طرح یک شکایت در دادگاه فدرال در نوامبر ۲۰۲۴، در نهایت حکم به انتشار این اسناد و خروج‌شان از حالت محرمانه داده شد. با توجه به این که متن منتشر شده در سایت به این موضوع اشاره کردند که اسناد آزادشده، درباره ملاقات‌ها و تماس‌های تلفنی میان پوتین و بوش است و آنچه منتشر شده فقط سه ملاقات را در برمی گیرد، احتمالاً اسناد دیگری نیز به صورت عمومی منتشر خواهد شد.

▼ سند اول: ملاقات در اسلونی

اولین سند مربوط به ۱۶ ژوئن ۲۰۰۱ (۲۶ خرداد ۱۳۸۰) است؛ زمانی که یک سال از ریاست جمهوری پوتین و بوش در روسیه و آمریکا می‌گذشت و این ملاقات حدوداً دوساعته نیز اولین دیدار آن‌ها بود. محل ملاقات، در قلعه بردو واقع در اسلونی بود که در آن زمان بازتاب رسانه‌ای گسترده پیدا کرد. این رویداد با نام نشست پوتین -بوش نیز شناخته می‌شود. بر اساس اطلاعات منتشرشده در صفحه ابتدایی این سند، در ملاقات خصوصی و محدود پوتین و بوش، کاندولیزا رایس دستیار وقت

گزارش دو

رئیس‌جمهور آمریکا در امور امنیت ملی در کنار بوش بوده و یادداشت‌ها از سوی او برداشته شده است. یک مترجم آمریکایی هم در جلسه حضور داشت. در کنار پوتین هم، ولادیمیر روشایلو، دبیر شورای امنیت روسیه حضور داشت که کار ترجمه و یادداشت‌برداری را انجام می‌داد. در این ملاقات درباره مذاکرات موشکی و کنترل تسلیحات، موضوع عدم اشاعه هسته‌ای، ایران، کره شمالی، ناتو، وضعیت چین و آینده روابط روسیه و غرب صحبت شد. همچنین پای ایران در بخشی از صحبت‌های دو طرف به میان کشیده می‌شود که درباره مشکلات مشترک صحبت می‌کنند. پوتین در بخشی از صحبت‌های خود می‌گوید: «می‌دانم درباره روابط روسیه با دولت‌های یایی نگرانی وجود دارد. فکر می‌کنید من آن‌ها را دوست دارم؟» بوش در پاسخ می‌گوید: «می‌دانم. می‌دانم که شما با آن‌ها تعامل دارید.» سپس دو طرف به کنش‌ها و واکنش‌های واشنگتن و مسکو درباره مسائل می‌مانند پیمان موشکی اشاره می‌کنند.

بوش زمانی که پاسخ پوتین را می‌دهد، به ایران اشاره می‌کند و می‌گوید: «من نگران ایران هستم. رسیدن سلاح به آن کشور می‌تواند به شما هم آسیب بزند. الان کار زیادی نمی‌توانم درباره‌شان انجام دهم.» پوتین زمانی که وقت صحبتش می‌رسد، می‌گوید: «من فناوری موشکی را برای ایران محدود خواهم کرد. کسانی هستند که می‌خواهند در این حوزه‌ها با این کشور پول درآورند. ضمناً شنیده‌ام که شما در حال حرکت به سمت عادی‌سازی روابط با ایران هستید؟» بوش پاسخ می‌دهد: «این درست نیست. کنگره در حال حاضر چنین چیزی را کاملاً ناممکن کرده است.» پوتین می‌گوید: «اما باد (رابرت مک‌فارلین از طرف دولت ایالات متحده با رئیس پارلمان ایران در تماس است.»

بوش این موضوع را نادرست می‌خواند و کاندولیزا رایس هم می‌گوید:

«شایعاتی وجود دارد، اما درست نیستند.»

پوتین پاسخ می‌دهد: «بسیار خُب. اما آلمان یک خط اعتباری ۲۸ میلیارد مارکی برای ایران باز کرده است. مردم دارند درها را باز می‌کنند. ضمن این که تجارت تسلیحات متعارف یک فعالیت عادی تجاری است. کارشناسان ایرانی درباره مسائل حساس سوآلات زیادی از کارشناسان ما می‌پرسند. شکی نیست که آن‌ها سلاح هسته‌ای می‌خواهند. من به افرادمان گفته‌ام چنین چیزهایی را به‌آن‌ها نگویند.»

▼ سند دوم: ملاقات در کاخ سفید

دومین سند منتشرشده، اشاره به ملاقات پوتین و بوش در دفتر رئیس‌جمهور آمریکا دارد. این ملاقات ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۵ (۲۵ شهریور ۱۳۸۴) برگزار شد. از طرف آمریکا در کنار بوش، کاندولیزا رایس، وزیر خارجه، دونالد رامسفلد، وزیر دفاع، اندرو کات، دستیار رئیس‌جمهور و رئیس دفتر، استیو هادلی، دستیار رئیس‌جمهور در امور امنیت ملی، ویلیام برنز، سفیر ایالات متحده در روسیه، توماس گراهام، دستیار ویژه رئیس‌جمهور و مدیر ارشد امور روسیه و یک متر جم